



## تأثیر قدرت نرم دیپلماسی ورزشی بر روابط ایران و آمریکا: مطالعه موردی دیپلماسی کشتی (۱۹۹۸-۲۰۱۳)

10.30495/PIR.2022.1963738.3532

سودابه مختاری<sup>۱</sup>، گارینه کشیشیان سیرکی<sup>۲</sup>

Received:2022/04/24 Accepted:2022/06/23	<b>مقاله پژوهشی</b>	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۲
--	---------------------	---

### چکیده

یکی از مباحث مهم در روابط بین‌الملل مفهوم "قدرت" است. ابتکار جوزف نای<sup>۳</sup> در انفکاک میان قدرت سخت و قدرت نرم، شکل جدیدی به تعاریف مربوط به قدرت داد. دیپلماسی ورزشی به عنوان یکی از کلیدی‌ترین شیوه‌های شکل‌گیری قدرت نرم به حساب می‌آید و کشورها تلاش می‌کنند از این طریق راهکارهایی برای کاهش تنش‌ها، تأثیرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با سایر بازیگران در این عرصه بیابند. حضور پررنگ تیم‌های ملی ایران بخصوص کشتی در رویدادهای بین‌المللی پربیننده مانند بازی‌های المپیک، فرصتی به وجود آورده است تا ورزش به کمک ارتقای جایگاه ایران در ساختار جدید جهانی، حتی کاهش تنش با دشمن دیرینه ایران یعنی آمریکا بیاید. از این رو پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که قدرت نرم دیپلماسی ورزشی به‌خصوص ورزش کشتی چه نقشی در مناسبات ایران و آمریکا در سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۳ داشته است؟ بررسی‌ها با استفاده از چارچوب نظری قدرت نرم نشان داد که فرضیه اصلی در خصوص تأثیر کشتی در شکل‌گیری قدرت نرم دیپلماسی ورزشی، در مقاطعی حساس و با کمترین هزینه به بهبود مقطعی مناسبات ایران و آمریکا کمک کرده است. ورزش در سال‌های مورد بررسی یک ابزار دیپلماتیک بوده است تا نهایت باعث برقراری روابط غیرسیاسی باشد، بلکه باعث کاهش تنش‌ها شود. در این پژوهش که با روش توصیفی تحلیلی انجام شده، همچنین پیشنهادهایی برای استفاده بهتر از قدرت نرم کشتی جهت کاهش مشکلات در روابط ایران و آمریکا ارائه شده است.

**واژگان کلیدی:** قدرت نرم، دیپلماسی ورزشی، سیاست خارجی، کشتی، آمریکا، جمهوری اسلامی ایران

### The Impact of the Soft Power of Sports Diplomacy on Iran-US Relations: A Case Study of Wrestling Diplomacy (1998 – 2013)

One of the most important issues in international relations is the concept of "power". Joseph Nye's initiative in separating hard power from soft power gave new form to the definition of power. Sports diplomacy is considered as one of the key ways of forming soft power and countries are trying to find solutions to reduce tensions, political, economic and social effects with other actors in this supply. The strong presence of Iranian national teams, especially wrestling, in popular international events such as the Olympic Games has created an opportunity for sports to help improve Iran's position in the new world structure, even reducing tensions with its longtime enemy, the United States. Therefore, the present study seeks to answer the question that what role did the soft power of sports diplomacy, especially wrestling, play in Iran-US relations from 1998 to 2013? Studies using the soft power theoretical framework showed that the main hypothesis about the impact of wrestling on the formation of the soft power of sports diplomacy, at critical times and at the lowest cost has helped to improve Iran-US relations. Sport has been a diplomatic tool in the years under review to not only establish non-political relations, but also to reduce tensions. In this research, which was carried out with a descriptive and analytical method, suggestions for better use of the soft power of the ship to reduce the problems in the relations between Iran and the United States have been presented.

**Keywords:** Soft Power, Sports Diplomacy, Foreign Policy, Wrestling, USA, Islamic Republic of Iran

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری رشته روابط بین‌الملل، واحد بین‌الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران  
<sup>۲</sup> دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
 g.keshishyan71@gmail.com

## مقدمه

قدرت نرم در معادلات بین‌المللی از اهمیت بسزایی برخوردار است، تا آنجا که گفته می‌شود مظهر و نمود قدرت ملی، قدرت فرهنگی به معنای عام و قدرت روانی تبلیغی به معنای خاص است که بازیگران در صحنه روابط بین‌الملل تلاش می‌کنند این بعد قدرت را افزایش و گسترش داده و با اعمال آن و ایجاد تأثیرات خاصی بر دیگر بازیگران، آنها را از میدان رقابت خارج سازند. در این میان ورزش در جهان مدرن به‌عنوان یکی از نمادها و یا یکی از مؤلفه‌های اعمال قدرت نرم همواره مورد توجه کشورهای جهان قرار گرفته است. ورزش مدرن را می‌توان به‌عنوان مفهومی چندوجهی با ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و حتی به‌عنوان بعدی تازه از سیاست خارجی که در گستره وسیعی از تعاملات میان دولت - ملت‌ها به تدریج نقش پررنگ‌تری ایفا کرده و می‌کند، مورد توجه و بررسی قرار داد. شاید بتوان ورزش و رقابت‌های ورزشی را "ادامه جنگ اما به روش صلح‌آمیز و متمدانه" قلمداد کرد و یا آن را بدیل و جایگزینی برای جنگ دانسته در خدمت آرمان‌های بشری از جمله صلح و توسعه قرار داد. از این رو برخی بر این باورند «اگر کماکان موضوع محوری روابط بین‌الملل را جنگ و صلح در نظر بگیریم، ورزش با هر دو در ارتباط نزدیک است» (Zargar, 2015, p.7)

امروزه، ورزش جدا از آن که فواید پزشکی، اقتصادی، سرگرمی و ... دارد، به ویتروینی برای معرفی کشورها به جهانیان تبدیل شده است. انسان‌های زیادی در سراسر دنیا اوقات فراغت خود را با تماشای مسابقات ورزشی به‌ویژه ورزش قهرمانی می‌گذرانند. اندیشمندان حوزه قدرت، ورزش را در شناسایی و برتری یک کشور در مقایسه با سایر کشورها آن هم از راه مسابقات، نشانه برتری و تأثیرگذاری در قدرت نرم می‌دانند. سیاستمداران به کسب افتخارات و میزبانی مسابقات جهانی و منطقه‌ای توجه ویژه‌ای دارند. (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۷: ۱۴۷-۱۴۵)

تعامل ورزش با حوزه‌های اقتصاد، فرهنگ، سیاست، صنعت و سایر ابعاد اجتماعی جامعه، باعث شده تا امروز به ورزش فقط به‌عنوان تفریح و سرگرمی توجه نشود، بلکه ظرفیت‌های فراوانی در آن به چشم می‌خورد که می‌تواند تأثیرات عظیم سیاسی، اقتصادی، تربیتی، اخلاقی، اجتماعی، زیستی و فرهنگی ایجاد کند. به همین دلیل استقبال فراوانی از توسعه همه‌جانبه ورزش در جامعه می‌شود و در سبب خانوار جامعه موقعیت خود را می‌یابد و مردم اقبال زیادی را برای سرمایه‌گذاری در آن نشان می‌دهند. در کنار موضوعات مطرح شده، نقش و کارکردهای فرهنگی و بین‌المللی ورزش توسعه‌یافته است. بطوریکه اکنون ورزش را یکی از ابزارهای اعمال دیپلماسی عمومی و اجرای سیاست خارجی کشورها تلقی می‌کنند. در واقع دولت‌ها سعی دارند با استفاده از دیپلماسی عمومی، افکار عمومی را با خود همراه کنند تا برای رسیدن به اهداف سیاست خارجی خود با مشکلات کمتری مواجه شوند. از دیگر سوی اثبات شده ورزش تنها یک فعالیت سرگرم‌کننده و پاره‌وقت نیست، بلکه پدیده‌ای است علمی که دارای ظرفیت بالایی فراتر از عرصه ظاهری است و می‌تواند پدیده‌ای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دیپلماتیک باشد. امروزه ورزش به‌عنوان ابزاری برای تحقق دیپلماسی، ایدئولوژی، ملت‌سازی و ایجاد هویت ملی، حس مشترک و دسترسی به عرصه بین‌الملل و کسب منافع تجاری مطرح است و استفاده از رویدادهای ورزشی برای تحقق دیپلماسی و تحقق اهداف دولت‌ها بسیار مورد توجه است. (هادیان و کریمی، ۱۴۰۰: ۱۸۴)

این موضوع در روابط توأم با تنش ایران و آمریکا نیز مؤثر بوده و در سال‌های متمادی دو کشور در مقطعی تلاش کردند از دیپلماسی ورزشی به‌نوعی برای کاهش تنش در مناسبات فی‌مابین استفاده کنند. در واقع در بخش‌هایی از تاریخ روابط ایران و آمریکا ورزش توانسته است به‌جای اعمال قدرت سخت، به‌عنوان بخشی از قدرت نرم، به کمک سیاستمداران در اجرای سیاست خارجی بیاید.

از موارد مهم دیپلماسی ورزشی میان ایران و آمریکا، می‌توان به دیپلماسی کشتی بین تیم‌های ملی دو کشور در سال ۱۹۹۸ اشاره کرد که کشتی‌گیران فارغ از مسائل سیاسی نقش سفیران فرهنگی بین دو کشور را به بهترین شکل انجام دادند. این نوع از دیپلماسی به دلیل ظرفیت بالا، هزینه نسبتاً کم و بهره‌وری بالا می‌تواند کارکرد و نتایج مثبتی را برای کشورها داشته باشد، امری که متأسفانه تاکنون سیاستمداران ما یا نتوانستند از آن بهره بگیرند و یا آن را خیلی جدی نگرفته‌اند. در واقع ورزش می‌تواند نتیجه خوبی در گسترش صلح داشته باشد، البته با باور و اعتقاد به این موضوع، ارشاد و راهنمایی دستگاه دیپلماسی کشور، آگاهانه و هدایت شده باید باشد. براین اساس در این پژوهش تلاش شده است تا با این فرض که دیپلماسی ورزشی بخصوص کشتی توانسته است به افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران کمک کند و بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۳ با کمترین هزینه و در مقطعی حساس، زمینه تنش‌زدایی را در مناسبات ایران و

آمریکا فراهم آورده است. در شرایط کنونی از یک سو باتوجه به موقعیت حساس ایران در عرصه جهانی و ایجاد فشار از سوی برخی کشورهای خاص و از سوی دیگر حضور پررنگ تیم‌های ملی ورزشی ایران در رویدادهای بین‌المللی پربیننده، مانند بازی‌های المپیک، جام جهانی و مسابقات قهرمانی جهان، فرصتی به وجود آمده است تا ضمن کاهش فشار جامعه جهانی، نخبگان ورزش کشور بخصوص کشتی به ارتقای جایگاه ایران و افزایش قدرت نرم کشور در ساختار جدید جهانی کمک کنند.

## ۱- پیشنهاد پژوهش

### ۱-۱- بخش داخلی

هادیان و کریمی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «قدرت نرم ورزش در خدمت اهداف ژئوپلیتیکی سیاست خارجی» تلاش می‌کند به راهبری‌های چین در استفاده از قدرت نرم ورزش در عرصه بین‌المللی بپردازد و بررسی کند که این کشور چگونه توانسته است از ظرفیت‌های بین‌المللی ورزش برای اهداف ژئوپلیتیکی خود بهره‌گیری نماید. هرچند این مقاله به قدرت نرم ورزش و تلاش چین برای استفاده از آن می‌پردازد، اما با پژوهش حاضر که تأثیر قدرت نرم ورزش در مناسبات ایران و آمریکا را مورد ارزیابی قرار می‌دهد، تفاوت آشکاری دارد.

دوستی و حسن پورقادی (۱۴۰۰)، در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷» تلاش می‌کنند، به جایگاه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی در دولت‌های جمهوری اسلامی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بپردازند. نتایج این تلاش آنها حاکی از آن بوده است که دیپلماسی ورزشی کشور از روند و الگوی ویژه‌ای پیروی نمی‌کند، ولی هرچه از ابتدای انقلاب می‌گذرد، دولت‌ها بدون توجه به مواضع سیاسی، خود را به استفاده بیشتر از این دیپلماسی در راستای اهداف خود ملزم‌تر می‌کنند که البته با پژوهش حاضر تفاوت‌هایی دارد و تفاوت اصلی آن نیز نگاه کلی به نقش دیپلماسی ورزشی است. این در حالی است که پژوهش حاضر به نقش ورزش کشتی به‌عنوان بخشی از دیپلماسی ورزشی در روابط ایران و آمریکا می‌پردازد.

نگین راز و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای در ارتباط با «نقش دیپلماسی مسیر دوم در حل منازعه ترکیه - ارمنستان: مطالعه موردی کمیسیون همبستگی ترک - ارمنی» عنوان می‌کنند که منازعه ترکیه - ارمنستان به‌عنوان یکی از طولانی‌ترین منازعه‌های قرن حاضر، ریشه در عوامل سرزمینی و هویتی دارد. نوع منازعه، حضور بازیگران متعدد، منافع متعارض بازیگران و نبود روابط دیپلماتیک میان دو کشور، یافتن راهکاری برای حل منازعه را بیش‌ازپیش مشکل ساخته است. این مقاله به موضوع دیپلماسی مسیر دوم می‌پردازد، محور مطالعاتی آن ترکیه و ارمنستان است و دیپلماسی ورزشی در آن جایی ندارد.

سبزی و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای تحت عنوان «طراحی مدل مفاهیم اثرگذار دیپلماسی ورزش بر توسعه روابط ایران و ایالات متحده» تلاش دارند تا به بررسی نقش دیپلماسی عمومی و به طور خاص دیپلماسی ورزشی در روابط ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران با تمرکز بر توسعه و تقویت قدرت نرم خود در جهان بپردازند. این مقاله هرچند به نقش دیپلماسی ورزشی در مناسبات ایران و آمریکا می‌پردازد، اما به‌صورت کلی به مقوله دیپلماسی ورزشی و تأثیر آن در شکل‌گیری قدرت نرم می‌پردازد و این در حالی است که مقاله حاضر به تأثیر خاص ورزش کشتی در شکل‌گیری قدرت نرم اشاره دارد.

طالب‌پور و همکاران (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای تحت عنوان «طراحی مدل اعمال قدرت نرم از طریق دیپلماسی ورزشی» از طریق روش بنیادی با اتکا به پرسش‌نامه به بررسی مدل اعمال قدرت نرم از طریق دیپلماسی ورزشی پرداخته‌اند. در این مقاله منابع دیپلماسی ورزشی در سه گروه رویدادهای ورزشی، سرمایه انسانی و تولیدکنندگان ورزشی طبقه‌بندی شده و تأثیرات عملکرد آنها در دیپلماسی رسمی مورد کاوش قرار گرفته است. مقاله به‌صورت کلی به موضوع اعمال قدرت نرم از طریق دیپلماسی ورزشی می‌پردازد، درحالی‌که مقاله حاضر به تأثیر خاص ورزش کشتی در شکل‌گیری قدرت نرم اشاره دارد.

جوادی‌پور و همکاران (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «نقش ورزش و توسعه ورزشی در پیشبرد سیاست‌های فرهنگی - اجتماعی و روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران» در مصاحبه با تعدادی از کارشناسان و خبرگان به نتیجه رسیده‌اند که چالش‌ها و ضعف‌های مختلف شامل نبود خط‌مشی روشن و شفاف، نداشتن اطلاعات و دانش لازم در این زمینه، عدم شناخت توانایی‌های بالقوه دیپلماسی

فرهنگی - ورزشی باعث شده که از این نوع دیپلماسی کمتر استفاده شود. تفاوت روشن این مقاله با پژوهش حاضر، نگاه کلی مقاله به مقوله دیپلماسی ورزشی است که تناسبی با پژوهش حاضر ندارد.

## ۱-۲- بخش خارجی

متقی و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «ژئوپلیتیک ورزش و دیپلماسی روابط همسایگی در جام جهانی ۲۰۲۲ قطر (مطالعه موردی: ایران و کشورهای عربی خلیج فارس)» به تبیین جنبه‌های قدرت در ورزش و سیاست می‌پردازند و تلاش دارند نقطه ژئوپلیتیک ورزش در منطقه خلیج فارس را بررسی و تأثیر مسابقات جام جهانی فوتبال قطر در منطقه و تعامل آن در عرصه ورزشی را مورد کنکاش قرار دهند. این مقاله به دلیل بررسی نقش فوتبال و به طور خاص جام جهانی ۲۰۲۲ قطر بر مناسبات کشورهای حاشیه خلیج فارس با پژوهش حاضر تفاوت دارد.

رابرتسون (۲۰۱۳)، در مقاله خود با عنوان «دیپلماسی ورزش در کشمکش محیط: موردی برای تلاش در افغانستان» بیان می‌کند که بیش از سه دهه است که جنگ‌های قومی - قبیله‌ای، مرزسازی و مرکزیت را در افغانستان درگیر خود کرده، جایی که همه در پی پیدا کردن هویت هستند. در طول سال‌ها نیروهای خارجی و دولت افغان در تلاش برای پیدا کردن راهی برای حفظ امنیت افراد جوان از اثرات شورش‌ها و یاغی‌گری‌ها بودند. این مقاله با رویکردی خاص به مسائل و مشکلات افغانستان، با پژوهش حاضر که به نقش ورزش کشتی در شکل‌گیری قدرت نرم و تأثیر آن بر روابط ایران و آمریکا می‌پردازد، تفاوت دارد.

آناستاسوسکی (۲۰۱۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «ورزش جایگزینی برای فعالیت‌های دیپلماتیک» اظهار می‌دارد که برای موفقیت در ورزش به مقدار زیادی تمرین، نظم و تاکتیک، صبر و شکیبایی و مهارت نیاز است که به افراد جوان قبل از اینکه در زمینه‌های مختلف اجتماعی موفق شوند، کمک می‌کند. در این زمینه دیپلماسی ورزشی به‌عنوان یک پدیده جدید یک مسیر در ورزش باز کرده است که هدفش افزایش گفتگو برای باز کردن افق‌ها و دیدگاه‌های جدید و کمک به درک بیشتر فرهنگی بین مردم جهان است. نویسنده در این مقاله به تأثیر ورزش بر جنبه‌های عمومی زندگی فرهنگی و اجتماعی افراد، نظیر رهبری و ... می‌پردازد و از این نظر تفاوت‌های بسیاری با پژوهش حاضر دارد.

## ۲- چارچوب نظری

چارچوب نظری مقاله حاضر، بحث قدرت نرم خواهد بود. قدرت نرم با نام جوزف نای شناخته می‌شود. نای در مقام متفکری لیبرال معتقد است: با شکل‌گیری وابستگی متقابل و جهانی‌شدن، دگرگونی‌های قابل توجهی در سیاست جهانی پدیدار شده و در آن محوریت دولت تحت‌الشعاع حضور و ظهور بازیگران دیگری قرار گرفته است. همچنین تحولات فناوری اطلاعات پیوندهایی را بین موضوعات، مسائل و منافع بازیگران به وجود آورده است که نتیجه آن حاکم شدن الگوهای نوینی از قدرت و رفتار در صحنه بین‌الملل یعنی اهمیت یافتن قدرت نرم و رفتار همکاری‌جویانه یا چندجانبه‌گرایی برای مواجه شدن با تهدیدات نوظهور است. یکی از مهم‌ترین منابع تأثیرگذار در حوزه قدرت نرم، فرهنگ اعم از نوع عالی یا عامه آن است. این مهم توانایی‌های کشورهای حوزه فیلم، موسیقی، انتشارات علمی - آموزشی، مطبوعات و نیز خصلت‌هایی چون آزادمنشی، تساهل، تحرک و تنوع در فرهنگ عامه را دربر می‌گیرد. (دانش‌نیا، ۱۳۹۲: ۷۳)

در قدرت نرم، دیگران بیش از آنکه به کاری مجبور شوند، به همکاری گرفته می‌شوند و این از آن‌رو است که دیگران ترغیب می‌شوند که همان چیزهایی را بخواهند که ما می‌خواهیم؛ لذا قدرت نرم قابلیت شکل‌دادن به علایق دیگران است (نای، ۱۳۸۷: ۴۳).

قدرت نرم معمولاً در مقابل قدرت سخت تعریف می‌شود و دارای ابعاد مختلفی است. از قدرت نرم تعاریف مختلفی ارائه شده است. جوزف نای در تعریف قدرت نرم آن را قدرت در حال گذار از غنای ثروت به غنای اطلاعات تعریف کرده است. رنجبران قدرت نرم را قدرت برتر جهان می‌داند و آن را قدرت نرم مبتنی بر جاذبه (تغییر فکر - اندیشه و عمل) می‌داند. کلاهیچیان می‌گوید: قدرت نرم توانایی به‌دست‌آوردن خواسته‌ها از طریق مجذوب کردن (به‌جای اجبار یا امتیاز) است که از طریق جذابیت‌های فرهنگی، انگاره‌های سیاسی و اقتصادی شکل می‌گیرد. جعفرپور در تعریف دیگری می‌گوید: «قدرت نرم؛ یعنی توانایی رسیدن به اهداف موردنظر از طریق

جلب دیگران به جای استفاده از زور» و سلطانی فر نیز در تعریف دیگر می‌گوید: قدرت نرم توانایی شکل‌دهی بر توجهات دیگران است. جنس قدرت نرم نه زور است نه پول؛ بلکه سرمایه‌گذاری روی ذهنیت و ایجاد جذابیت برای ایجاد ارزش‌های مشترک است (بصیری، ۱۳۹۱: ۱۵۵-۱۵۴).

قدرت نرم توانایی به‌دست‌آوردن چیزی است که می‌خواهیم با جذب و اقناع سایرین جهت تحقق اهداف خود کسب کنیم. قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت از خود... تأثیرگذاری همراه با رضایت بر دیگران، اراده دیگران را تابع خود کردن و مؤلفه‌های نظیر آن است (بیگی، ۱۳۸۸: ۳۰). قدرت نرم عبارت از توانایی کسب مطلوب مقصود و هدف، از طریق جاذبه، نه از طریق اجبار یا تطمیع است. قدرت نرم از جذابیت فرهنگی، ایده‌آل‌های سیاسی و سیاست‌های یک کشور ناشی می‌شود (نای، ۱۳۸۷: ۸۳).

آن چه از محتوای کلمات متفکران و اندیشمندان در توضیح واژه قدرت نرم، برمی‌آید این است که قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و جهانی، قدرت تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بر دیگران است. به‌طوری که امروزه، این قرائت از قدرت در مقابل قدرت سخت، قدرت نظامی و تسلیحاتی که به نحوی توأم با اجبار و خشونت‌های فیزیکی است به کار می‌رود؛ بنابراین می‌توان گفت: قدرت نرم، توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران است و جنس آن از نوع اقناع است؛ درحالی که چهره زمخت و سخت قدرت از نوع وادار و اجبار کردن است. قدرت نرم، توجه ویژه‌ای به اشغال فضای ذهنی کشور دیگر از طریق ایجاد جاذبه است و نیز زمانی، یک کشور به قدرت نرم دست می‌یابد که بتواند (اطلاعات و دانایی) را به‌منظور پایان‌دادن به موضوعات مورد اختلاف به کار گیرد و اختلافات را به‌گونه‌ای ترسیم کند که از آنها امتیاز گیرد (نای، ۱۳۸۷: ۱۰). در این میان نقش ورزش به‌عنوان یکی از ابزارهای شکل‌گیری قدرت نرم، بخصوص با کارکردی که در اعمال دیپلماسی ورزشی دارد، می‌تواند ورزش را به مؤلفه‌ای مهم و تأثیرگذار در ارتباط میان کشورها تبدیل کند.

از دیپلماسی سنتی تا دیپلماسی جدید، ورزش کارکردی «فراتر از سرگرمی» داشته است که اغلب توسط نخبگان حاکم مورد استفاده یا سوءاستفاده قرار گرفته است. ورزش به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی قدرت نرم می‌تواند ابزار کارآمدی در تعیین روابط دیپلماتیک باشد. بسیاری از کارشناسان از این باور حمایت می‌کنند که دیپلماسی ورزشی ابزاری آسان، ایمن و ملایم برای بهبود روابط بین‌المللی است. آنها از رویدادهای بزرگ به‌عنوان یک تبلیغات سیاسی برای خدمت به راهی برای پیشبرد اهداف دیپلماتیک کشورهای میزبان استفاده کرده‌اند (Won & Chiu, 2019: p. 65). چنانچه پیام و تصویر یک ملت از طریق ورزش و ویژگی‌های مثبت ورزشی منتقل شود، ادراک مردم سایر کشورها از کشور دیگر دچار تغییر اساسی می‌شود (Murray, 2012: p. 12)؛ لذا دیپلماسی ورزشی بخصوص تمرکز بر ورزش‌هایی مانند کشتی که جایگاه ویژه‌ای در میان ملل جهان دارد، می‌تواند به تقویت روابط کشورهای مختلف و نیز بازسازی تصویر یک کشور در چشم جهانیان و دیگر کشورها کمک کند.

### ۳- نگاهی به روابط ایران و آمریکا در حوزه ورزشی

ضرورت استفاده از دیپلماسی و تأثیر آن بر قدرت نرم در روابط ایران و آمریکا غیرقابل انکار است. علی‌رغم تنش‌های میان دو کشور و فقدان روابط دیپلماتیک رسمی فی‌مابین، انواع مبادلات مردمی بخصوص ورزشی در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، از جمله معبود اشکال تعامل مدنی بین دو طرف بوده است که بر مبنای دیپلماسی ورزشی می‌توان به خوانشی عمیق‌تر از آن دست‌یافت. در همین راستا، درحالی که بیش از دو دهه صحبت از گفتگو با آمریکا بر سر هر مسئله‌ای با برخوردهای شدید از سوی افراد تندرو مواجه می‌شود، ورزشکاران ایرانی فارغ از روابط خصمانه سیاسی با رقبای آمریکایی خود به رقابت می‌پردازند و میلیون‌ها نفر نیز به تماشای این رقابت‌ها می‌پردازند؛ لذا رویدادهای ورزشی و سایر مبادلات نقش پیشرو در تقویت دیپلماسی عمومی ایران و آمریکا داشته است. این نمونه‌های دیپلماسی ورزشی، کلیشه‌های بدخواهانه علیه ایرانیان را که به بخشی ریشه‌دار از گفتمان سیاسی آمریکا تبدیل شده‌اند، به چالش کشیده است (Entessar, 9 February 2017: p. 5).

انقلابیون و حاکمان اسلامی ایران که در ابتدا رویکردی منفی به رقابت و حضور در عرصه‌های مختلف ورزشی، خصوصاً در مقابل آمریکا داشتند، به‌سرعت اهمیت این موضوع را درک کرده و با کارکردهای مثبت آن در تصویری‌سازی نوین از کشورشان مواجه شدند،

لذا با دید مثبت‌تری به استقبال آن رفتند. البته در نگاه اول، ایده بهبود روابط بین مردم ایران و آمریکا و نیز دو دولت از طریق رقابت‌های ورزشی تا حدودی عجیب به نظر می‌رسید، زیرا رویدادهای ورزشی بین‌المللی اغلب احساسات ملی‌گرایانه را متبلور می‌کنند. بخصوص که روح ورزش با رقابت مرتبط است، به این معنی که در یک مسابقه ورزشی، بر خلاف مثلاً دیدار فیلم‌سازان و دانشگاهیان، هر یک از طرفین قصد دارند برتری خود را بر دیگری نشان دهند. این «تکثر معانی و نمادها» دیپلماسی ورزشی را به «یکی از مبهم‌ترین ابزارهای انجام دیپلماسی» تبدیل می‌کند که آن را به‌ویژه مفید می‌کند، زیرا می‌تواند نشان دهد که یک کشور قوی است و نباید آن را دست‌کم گرفت، اما همچنین انعطاف‌پذیر و قابل مذاکره است. (Peppard and Riordan, 1993: p. 9)

در سطح عملی‌تر، برای ایجاد تبادل ورزشی، مدیران، مربیان و دیپلمات‌ها باید با هم کار کنند که می‌تواند به شکستن یخ بین مقامات و شهروندان عادی کشورهای دورافتاده کمک کند. (Peppard and Riordan, 1993: p. 2) بخصوص که اهمیت دیپلماسی ورزشی در این است که سیاسیون را نیز در پس ماجرا و در یک فضای گرم، وارد تحولات می‌کند، تا پالس‌های لازم را برای سیاسیون کشور دیگر ارسال کند.

در بعد تاریخی، اهمیت و کارکرد دیپلماسی ورزش در مناسبات ایران و آمریکا، از سوی واشنگتن پیش از وقوع انقلاب اسلامی درک شده بود. این امر نیز به رواج جو ضدآمریکایی ناشی از امواج اولیه انقلاب و سرنگونی دولت ملی محمد مصدق با همکاری آمریکا مربوط می‌شد. شاه ایران که به دلیل مخالفت‌های داخلی از کشور گریخته بود، در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با حمایت و پشتیبانی مستقیم دولت‌های آمریکا و انگلیس و پس از سرنگونی دولت مصدق به کشور بازگشت. سرخوردگی مردم ایران از آمریکایی‌ها به دلیل دخالت در امور داخلی این کشور، به موج گسترده‌ای از دیدگاه‌ها و تحرکات ضدآمریکایی منجر شد. بخصوص که این موج با استقبال مشتاقان ایده‌های ضدامپریالیستی کمونیسم نیز روبرو بود؛ لذا، دو سال بعد در ۱۳ آوریل ۱۹۵۵، (فروردین ۱۳۳۴) دیوید آلبریتون، قهرمان سابق پرش ارتفاع المپیک آمریکا، وارد تهران شد. وزارت امور خارجه آمریکا و دولت ایران از این ورزشکار بازنشسته برای یک دوره چهار ماهه اولیه برای ترویج ورزش آمریکایی در این کشور دعوت کرده بودند. سفر آلبریتون بخش مهمی از کمپین دیپلماسی ورزشی ایالات متحده در دهه ۱۹۵۰ را تشکیل داد که بر افکار عمومی تأثیر می‌گذاشت. علاوه بر تلاش برای منصرف کردن ایرانیان از حمایت از اتحاد جماهیر شوروی، این ابتکارات باهدف ترویج برداشتهای مثبت از ایالات متحده در میان مردمی که به طور فزاینده‌ای جذب فضا و شعارهای ضدآمریکایی شده بودند، انجام می‌شد. (Wainwright, 2021: p.812)

رویکرد جدید مبنای طرح‌ریزی یک برنامه کاربردی دیپلماسی برای توسعه روابط با ایران و نیز ایجاد تصویری مثبت از آمریکا در اذهان عمومی ایرانیان بود. در نتیجه، پس از انقلاب اسلامی که تنش‌ها بالا گرفته بود، می‌توانست به‌عنوان یک راه‌کاری کم‌هزینه‌تر جهت تنش‌زدایی مورد استفاده قرار گیرد. مهم‌ترین دوران شکل‌گیری این روابط از شروع ریاست‌جمهوری سید محمد خاتمی بود که در ادامه بیشتر مورد مذاکره قرار می‌گیرد. در این دوران، درحالی‌که دولت ایالات متحده اصرار داشت که مذاکرات دولت با دولت تنها ابزاری برای آغاز مسیر بهبود روابط است، تعدادی از سازمان‌های غیردولتی در ایالات متحده با شوروشوق به دعوت خاتمی برای مبادله نخبگان، اساتید و نیز روابط فرهنگی در چارچوب دیپلماسی مسیر دوم پاسخ دادند. در آن زمان چندین هیئت ایرانی از ایالات متحده بازدید کردند و تعداد کمتری از آمریکایی‌ها نیز از ایران بازدید کردند که معمولاً نتایج مثبتی داشت. (Chehabi, 2007: p. 89).

مشهورترین تماس‌های ورزشی که موردتوجه ویژه قرار گرفت که واکنش‌های مثبت بسیاری نیز به همراه داشت، دیدارهای متقابل کشتی‌گیران ایرانی و آمریکا و مسابقه فوتبال بین ایران و آمریکا در ۲۱ ژوئن ۱۹۹۸ در لیون فرانسه بود که به مسابقه قرن شهرت یافت. اما در خصوص دیپلماسی ورزشی بین ایالات متحده و ایران، باید گفت: این پیوندها عمدتاً بر دو رشته کشتی آزاد و فوتبال متمرکز شده است. با توجه به اختلاف فاحش بین ایالات متحده، به‌عنوان قدرت بزرگ ورزشی جهان از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی از نظر مدال‌های کسب شده در بازی‌های المپیک، و ایران که حضور بسیار محدودتری در صحنه ورزش بین‌المللی داشته، این دو رشته ایده‌آل هستند. زیرا در کشتی آزاد هر دو کشور جزو بهترین‌های جهان هستند، درحالی‌که در فوتبال هر دو به‌طورقطع معمولی هستند. (Chehabi, 2007: p. 96) این امر مانع از شکست‌های ورزشی تحقیرآمیز می‌شد که با لطمه زدن به غرور ملی ممکن بود ضرر

بیشتری داشته باشد. البته باید توجه داشت که در ایالات متحده، کشتی و فوتبال، در حالی که میلیون‌ها ورزش‌دوست را در دبیرستان‌ها و کالج‌ها جذب می‌کنند، ورزش‌های تماشایی‌پسندی، نیستند.

علاوه بر این، رویدادهای ورزشی بین‌المللی در ایالات متحده کمتر از ایران پوشش تلویزیونی داده می‌شوند، زیرا آمریکایی‌ها به مسابقات قهرمانی جهان یا ورزش‌های خارجی علاقه بسیار کمتری نشان می‌دهند و به تماشای مسابقات فوتبال آمریکایی یا بسکتبال تیم‌های محلی خود تمایل دارند. همین امر این عامل پتانسیل تماس‌های ورزشی در کشتی و فوتبال را برای تغییر نگرش مردم آمریکا درباره ایرانیان و نیز نظام سیاسی این کشور محدود می‌کند. حال آنکه این مسئله در ایران برعکس است. نه تنها کشتی یک ورزش بسیار پرریننده است، بلکه فوتبال نیز جایگاه ویژه‌ای در بین مردم ایران دارد. با این حال، ایرانیان نه تنها از تیم‌های داخلی در این دو ورزش، خصوصاً فوتبال حمایت می‌کنند، بلکه شدیداً پیگیر مسابقات جهانی و منطقه‌ای فوتبال و تا حدود زیادی کشتی هستند. این باعث می‌شود که مردم ایران تأثیرپذیرتر از آمریکایی‌ها در دیپلماسی ورزشی باشند.

#### ۴- کشتی سفیر دیپلماسی ورزشی میان ایران و آمریکا

کشتی ورزش ملی ایرانیان است و جایگاه ویژه‌ای در میان مردم ایران دارد. شاید کمتر کسی در ایران باشد که با این ورزش سنتی آشنایی نداشته باشد و چند نفر از قهرمانان ملی آن را نشناسد. البته در آمریکا نیز با اینکه کشتی ورزشی عمومی و محبوب به حساب نمی‌آید، اما این کشور نیز یکی از قدرت‌های مهم کشتی جهانی است و از این نظر و همپایی دو کشور در این ورزش زمینه به‌کارگیری آن در دیپلماسی ورزشی و نقش آن در شکل‌گیری قدرت نرم در مناصب فی‌مابین را فراهم کرده است. دیپلماسی ورزشی با دعوت از تیمی از کشتی‌گیران آمریکایی برای شرکت در مسابقات تختی در فوریه ۱۹۹۸ آغاز شد (Chehabi, 2007: p. 98).

در همین راستا، کشتی‌گیران ایرانی در موارد متعددی از جمله بازی‌های المپیک ۱۹۹۶ آتلانتا به آمریکا سفر کرده بودند، اما ملاحظات امنیتی همواره مسئولان ورزش آمریکا را از پذیرش دعوت‌نامه‌های ایران برای شرکت در مسابقات سالانه جام تختی منصرف می‌کرد (Cooper, 1998: p. 12). در اکتبر ۱۹۹۲، سازمانی به نام جستجو برای زمین مشترک، در واشنگتن برای ترویج صلح از طریق تبادل شهروندان، به پیشنهاد بروس لینگن، مقام ارشد آمریکایی که در سال ۱۹۷۹ گروگان گرفته شده بود، تأسیس شد. به کمک این سازمان اقداماتی با حضور مقامات دلسوز ایرانی و آمریکایی برای هماهنگی برای سفر پنج کشتی‌گیر آمریکایی به ایران در سال ۱۹۹۸ برجسته‌سازی شد. (Marks, 1998: pp. 47-49).

در سالن ورزشی آزادی ۱۲ هزار تماشاگر با شور و شوق آمریکایی‌ها را تشویق کردند و برای اولین بار پس از انقلاب پرچم آمریکا به اهتزاز درآمد. در حالی که زیک جونز ستاره آمریکایی پرچم مینیاتوری ایران را به اهتزاز درآورد و جمعیت حاضر در ورزشگاه مملو از جمعیت شعار "آمریکا، آمریکا" را سر دادند، پرچم آمریکا در ورزشگاه آزادی نیز آویخته شد. پس از پایان مسابقات، کشتی‌گیران ایرانی و آمریکایی در یک نمایش واقعی ورزشکاری یکدیگر را در آغوش گرفتند، چیزی که سیاست‌مداران آنها از تقلید آن عاجز بودند. آنها همچنین یک رفتار سازنده نشان دادند که چگونه ورزش می‌تواند بر دیوارهای مصنوعی بی‌اعتمادی که رهبران کشورها علیه یکدیگر ایجاد می‌کنند، غلبه کند (Entessar, 9 February 2017: p. 5).

مبارزات کشتی‌گیران ایرانی و آمریکایی با حرکات حسن‌نیت و بازی جوانمردانه در روحیه مردی که جام به نام او نام‌گذاری شده بود، یعنی تختی همراه بود. اقدامات لینگن مورد توجه رئیس‌جمهوری آمریکا قرار گرفت، آن‌هم هنگامی که پرزیدنت کلینتون در ۱۳ مارس با حضور بروس لینگن تیم ایالات متحده را در کاخ سفید پذیرفت. دولت آمریکا اهمیت این رویداد را پذیرفت و سایر آمریکایی‌ها را تشویق کرد که در مبادلات فرهنگی و ورزشی با ایرانیان شرکت کنند. در سپتامبر ۱۹۹۸ کشتی‌گیران آمریکایی به ایران بازگشتند تا در مسابقات قهرمانی آزاد جهان شرکت کنند که ایران برای اولین بار پس از ۳۳ سال قهرمان شد (Chehabi, 2007: p. 98). ولی این امور نتوانست باعث رفع اختلافات و ازسرگیری روابط میان دو کشور شود، اما تأثیر مثبتی در شکستن برخی تابوها و خط‌قرمزها در گفتگو و برقراری ارتباط سیاسی بین دو کشور داشت (Kacos, 2011: pp. 6-7).

در دولت اوباما نیز روابط مردمی بین ایران و ایالات متحده تقویت شد و دیپلماسی ورزشی، به‌ویژه دیپلماسی کشتی، پیشرو بود. آنچه کشتی را به یک رسانه مؤثر در شکل‌گیری قدرت نرم تبدیل می‌کند، این است که این ورزش برای طیف وسیعی از مردم ایران جذاب است. برخلاف برنامه‌های تبادل فرهنگی هنری، دانشگاهی و سایر برنامه‌های مشابه که به نظر می‌رسد بخش غرب‌گرای جامعه ایران را هدف قرار می‌دهد، کشتی برای محافظه‌کاران و لیبرال‌ها به یک اندازه جذاب است. همچنین، در موقعیتی تاریخی از همکاری بین ایران، آمریکا و روسیه، این کشورها با هم متحد شدند تا با برنامه‌های قریب‌الوقوع کمیته بین‌المللی المپیک برای حذف کشتی از مسابقات آتی المپیک مبارزه کنند. این سه کشور مسابقات نمایشی را در ایستگاه بزرگ نیویورک در سال ۲۰۱۳ برگزار کردند. این مسابقات به تصمیم کمیته بین‌المللی المپیک برای کنار نگذاشتن ورزش باستانی کشتی که یکی از پایه‌های اصلی همه مسابقات المپیک بوده است، کمک کرد (Entessar, February, 2017: p. 9). این اقدام یک تلاش جدی بود که توانست زمینه را برای طرح یک هدف مشترک میان سه کشور ایجاد کند.

سه کشور صاحب نام در عرصه کشتی، یعنی ایران، آمریکا و روسیه، اگرچه به‌لحاظ سیاسی مواضع متفاوتی با هم دارند، اما یک هدف مشترک؛ آنهم حفظ کشتی در المپیک، باعث شد تا همگرایی سیاسی - ورزشی را در این مسابقه نشان داده و درخواست خود را به کمیته بین‌المللی المپیک ارسال کنند. روز قبل از این مسابقه، سه تیم در سالن کنفرانس سازمان ملل حضور و همبستگی خود را به‌همراه پیام مشترک به تمامی علاقه‌مندان کشتی جهان و کمیته بین‌المللی المپیک اعلام کردند. رسانه‌های بسیاری در آن‌روز، این حضور را مبنی بر همگرایی و ورزش فراتر از سیاست به دنیا مخابره کردند. نمایندگان هر تیم سخنرانی کردند و از کمیته بین‌المللی المپیک خواستند که کشتی در المپیک بماند، تیم‌ها به‌صورت نمادین و دوه‌دو در آن سالن وزن‌کشی و عکس‌های مشترکی گرفتند. روترز به نقل از یک مقام آمریکایی در این زمینه گزارش داد: هرچند ما نتوانسته‌ایم بر سر برنامه‌های هسته‌ای ایران به‌توافق برسیم، اما کشتی‌گیران ما در توافق با تهران بسیار خوب ظاهر شدند. تهران و واشنگتن بر این نکته اتفاق نظر دارند که کشتی باید در المپیک باقی بماند و برای تحقق این هدف تلاش‌های مشترکی انجام خواهد شد. این درحالی‌است که مقامات تهران نیز می‌گویند برای جلوگیری از حذف کشتی، ایران با کشورهای بزرگ در جهان همکاری خواهد کرد. به این ترتیب درحالی‌که تهران مذاکره با آمریکا را به تغییر رفتار این کشور مشروط می‌کند، در دیپلماسی کشتی هیچ پیش شرطی وجود ندارد و تنها نگاه مشترک تهران و واشنگتن در زمینه حفظ این ورزش در المپیک است که توانسته چشم انداز همکاری آنها را در این مورد تقویت کند. (دیپلماسی ایرانی، ۹ اسفند ۱۳۹۱)

تیم ایران در زمان ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد و در شرایط سیاسی پرتنش، بعد از دوازده سال در خاک آمریکا مسابقه می‌داد، به همین دلیل این مسابقات با حساسیت سیاسی ویژه‌ای از سوی دو کشور رصد می‌شد. این حضور از سوی ایران در چند بعد قابل‌بررسی است و منجر به تلطیف فضای سیاسی دو کشور شد:

بعد فنی؛ هیچ‌گاه تیمی از ایران موفق به شکست تیم ملی آمریکا در خاک آمریکا نشده بود و به لحاظ روانی برد تیم ایران در داخل بسیار تأثیر داشت.

بعد حقوقی؛ به دلیل شرایط خاص کشتی دنیا و حذف کشتی از المپیک، تیم ایران به‌عنوان یکی از تیم‌های قدرتمند کشتی حضورش در آمریکا و شرکت در مسابقات حیاتی بود، چه‌بسا اگر در این مسابقات نمادین شرکت نمی‌کرد کشتی ایران دچار مشکل می‌شد و این موضوع باعث شد تا دستگاه‌های مسئول در اعزام تیم کمک کنند.

بعد فرهنگی و آموزشی؛ هرکدام از کشتی‌گیران ما به‌عنوان شهروند - دیپلمات و به نمایندگی از جامعه ایرانی آنجا حضور داشتند و حامل پیام صلح برای دنیا بودند. در واقع هرکدام از آنها سفیران فرهنگی بودند که نشان دادند ورزش می‌تواند فراتر از سیاست عمل کند.

بعد سیاست خارجی؛ باتوجه‌به اینکه گروه‌های سیاسی در داخل کشور به دو گروه مخالف و موافق این حضور تقسیم شده بودند، موافقین، تعاملات بین‌المللی را برای فضای سیاسی آن روزهای کشور مهم می‌دانستند. به دلیل فضای پرتنش ایران بین اتحادیه اروپا و شورای امنیت، تعاملات بین‌المللی و حضور تیم ایران در این مسابقات کمک به عادی‌سازی این فضای پرتنش بود.



یک سال بعد در جام جهانی کشتی فرنگی ایران میزبان بود و فرصت دیگری برای نزدیک شدن ایران و آمریکا بوجود آمد. در کمال تعجب ایرانی‌ها، سرپرست تیم آمریکا خانم کریستینا کلی بود. اگرچه نگرانی اولیه درمورد اجازه حضور یک زن در استادیوم با تماشاگران مرد و ورزشکاران مرد وجود داشت، اما کلی با تشویق مشتاقانه تماشاگران مواجه شد. اگرچه تیم آمریکا از بین ۱۰ تیم نهم شد، اما تماشاگران ایرانی زمانی که اعضای تیم‌های آمریکا و ایران با هم در زمین مسابقه رفتند با آنها به‌عنوان پیروز برخورد کردند. پس از آن، تیم ایالات متحده از بازار بازدید کرد، جایی که یکی از بازرگانان اصرار داشت که هر کشتی‌گیر آمریکایی یک فرش رایگان به خانه ببرد.. (Entessar, 9 February 2017: p. 6) اما بعداً تغییر دولت در آمریکا، احتمال به‌خطر افتادن روابط کم‌تنش سیاسی پیشین و دوستانه‌ای را که در حوزه‌ی ورزش شکل گرفته بود، می‌داد.

نکته قابل‌ملاحظه در دیپلماسی عمومی در مسابقات جام جهانی کشتی تهران ۲۰۱۳، حضور محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور ایران، هنگام توزیع مدال در جمع اعضای تیم ملی کشتی ایالات متحده و گرفتن عکس یادگاری با آنها بود. اما با این حال رئیس‌جمهور در اقدامی معنادار هیچ اعتنایی به تیم روسیه نکرد. مسابقه کشتی با تیم ایالات متحده می‌تواند در اذهان عمومی القاء این نکته باشد که حال که ما می‌توانیم با تیم کشتی ایالات متحده در فضای دوستی و صمیمیت مسابقه دهیم، چرا این رابطه را در عرصه دیپلماتیک با یکدیگر نداشته باشیم. از طرفی وقتی رئیس‌جمهور ایران با تیم ایالات متحده در تهران عکس یادگاری می‌گیرد و به گرمی از آنها استقبال می‌کند، چرا این رابطه صمیمانه در مورد رئیس‌جمهور ایالات متحده موضوعیت نداشته باشد. در مورد نوع تعامل با روسیه نیز این اقدام می‌توانست یک هشدار برای روسیه تلقی شود که اگر احتمالاً رابطه ایران و ایالات متحده دستخوش تغییرات شود، در این میان روسیه دیگر جایگاه سابق خود در مورد روابط دیپلماتیک با ایران را نخواهد داشت (خدایی، ۷ اسفند ۱۳۹۱).

## ۵- نتیجه

از ابتدای پژوهش حاضر، نقش دیپلماسی کشتی در شکل‌گیری قدرت نرم در مناسبات میان ایران و ایالات متحده آمریکا در سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۳ مورد طرح و بررسی قرار گرفت. در پرداختن به این موضوع با ارائه سوابق تاریخی و نحوه تأثیرگذاری ورزش کشتی در این مناسبات تلاش شد تا کارکرد دیپلماسی ورزشی در عرصه تنش‌زدایی یا تنش‌افزایی در مناسبات میان ایران و آمریکا مورد بررسی قرار بگیرد. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر دیپلماسی کشتی در مقام یکی از انواع اصلی دیپلماسی ورزشی، در سال‌های بعد از ۱۹۹۸ در ساخت روابط تهران و واشنگتن کارکردی ویژه داشته و نقشی قابل‌توجهی را در مناسبات میان دو کشور ایران و آمریکا ایفا کرده است، تاحدی که در پس هر رویداد ورزشی میان دو کشور، سیاسیون نیز به ارائه نظر و نیز جهت‌گیری‌های ورزشی، فرهنگی، اقتصادی و نیز سیاسی پرداخته‌اند. کشتی در سال‌های مورد بررسی یک ابزار کلیدی دیپلماتیک بوده است تا نه تنها باعث برقراری روابط غیرسیاسی میان دو کشور شود، بلکه باعث کاهش تنش‌ها و حتی در مواردی باعث ابراز تأسف آمریکا از رفتار گذشته خود در قبال ایران و ایرانی‌ها شود. ورزش و بخصوص کشتی در مقطع ابتدایی این تحقیق باعث شد روابط غیرسیاسی ایران و آمریکا تجربه جدید داشته باشد و تا به امروز نیز یکی از سطوح اصلی تداوم پیوندهای دو کشور با وجود همه تنش‌ها بوده است.

وقوع انقلاب اسلامی که پایانی به روابط دیپلماتیک سیاسی عمیق و مستقیم پیشین با آمریکا بود، یک شکاف میان دو کشور را بار آورد که ضرورت وجود طرف ثالث (سوئیس) را در میان دو کشور برجسته کرد. با این حال، ظهور گفتمان‌های جدید در ایران، بستر را برای روابط دیپلماتیک غیرمستقیم به‌ویژه از طریق ورزش فراهم کرد. مبادله تیم‌ها و ورزشکاران، میزبانی مسابقات ورزشی، موضوعات ورزشی مشترک میان دو کشور، حضور در رقابت‌ها و نیز رقابت متقابل باعث شد تا اهمیت و کارکرد قدرت نرم از طریق ورزش مورد توجه قرار گیرد. تاحدی که دیپلمات‌ها اینک در پس این تحولات ورزشی در حال پیگیری اهداف دیپلماتیک سیاسی بودند. دو کشور دیپلماسی ورزشی را راهی کم‌هزینه، جذاب و مردم‌پسند برای بازسازی روابط متقابل یافتند و از آن حداکثر استفاده را نیز بردند. در این میان، مسابقات ورزشی در رشته‌های مختلف به‌ویژه در رشته کشتی که هر دو کشور از برجسته‌ترین تیم‌های جهان در این رشته هستند، کارکردی بی‌بدیل و قابل‌تأمل را در زمینه رفع بدبینی‌های فکری میان ملت ایران و آمریکا ایفا کرده است. بنا بر یافته‌های پژوهش حاضر نقش ایجابی و مثبت ورزش کشتی در شکل‌گیری قدرت نرم و تأثیر آن در رفع تنش‌ها میان واشنگتن و تهران در چند

دهه گذشته غیرقابل انکار است. آن‌هم در شرایطی که تاریخ روابط ۴۳ ساله این دو کشور، بعد از وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ مملو از تنش، اختلاف نظر و حتی برخوردهای دیپلماتیک، سیاسی و نظامی بوده است. در سال‌های بعد از ۱۹۹۸ نیز همواره در سطح سیاسی ایران در کانون اصلی دشمنی، تحریم و تبلیغات و سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا قرار داشته است. اما ورزش در اوج تنش‌های دو کشور، حداقلی از روابط را برای دو کشور باقی گذاشته و شکل‌گیری قدرت نرم بستری برای نیل به اهداف ضمنی سیاسی برای دو کشور فراهم کرده است. در تمامی این مراودات و مسابقات ورزشی، سیاسیون دو کشور به دقت آن را رصد نموده و به شکل صلح‌آمیز یا گاهی تبلیغاتی از آن بهره‌برداری نموده‌اند. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که ورزش بستری از گفتمان دوستی ضمنی میان دو کشور است که حتی در قامت موضوعی چون کشتی و احتمال حذف آن از المپیک، موجب هم‌پیمانی دو کشور در دوره انقلابی احمدی‌نژاد شده است. چرا که دو کشور منافع خود را در خطر می‌دیدند و لذا در یک بلوک قرار گرفتند.

## ۶- پیشنهادها

در راستای دیپلماسی ورزشی که خود از مشتقات قدرت نرم است، پیشنهاد می‌شود که:

- ۱- سرمایه‌گذاری ویژه اقتصادی در زمینه دیپلماسی ورزشی بخصوص کشتی و رویدادهای بین‌المللی این رشته برای بی‌اثر کردن تبلیغات ضدایرانی و مقابله با ایران‌هراسی رسانه‌ها و سیاست‌مداران آمریکایی انجام شود.
- ۲- پیشنهاد می‌شود که سرمایه‌گذاری برای تقویت و توسعه رشته‌های هم‌تراز با کشتی برای تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سطح جهانی انجام شود.
- ۳- ایجاد کارگروه پیشبرد دیپلماسی ورزشی در وزارت امور خارجه و تشکیل تیم ویژه فکری در این زمینه برای استفاده از ورزش‌هایی مانند کشتی برای استفاده از قدرت نرم ورزش و تأثیرگذاری بر افکار عمومی آمریکا پیشنهاد می‌شود.
- ۴- تلاش برای دریافت میزبانی‌های مهم کشتی در سطح جهانی و در کنار آن ارائه چهره‌ای متفاوت از ایران با اتکا به قدرت نرم ورزش بسیار ستودنی است.
- ۵- برگزاری مسابقات دوستانه کشتی یا در قالب دوره مسابقات ادواری میان ایران و آمریکا پیشنهاد می‌شود.
- ۶- نمادسازی از قهرمانان ایرانی کشتی و اتکا به خصایل اخلاقی و رسوم جوانمردی در این رشته ورزشی برای تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در میان جامعه ورزشی و مردمان آمریکا بسیار ضروری است.

## منابع

- بصیری، محمدعلی (۱۳۹۰)، «جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال دوم، شماره ۵، صص ۱۵۱-۱۷۷.
- بیگی، مهدی (۱۳۸۸)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- جوادی پور، محمد و نازنین راسخ (۱۳۹۸)، «نقش ورزش و توسعه دیپلماسی ورزشی در پیشبرد سیاست‌های فرهنگی - اجتماعی و روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران»، نشریه مدیریت ورزشی، دوره ۱۱، شماره ۲
- خدایی، محمود (۷ اسفند ۱۳۹۱)، «نگاهی به دیپلماسی ورزشی ایران و آمریکا»، قابل دسترس در نشانی: <http://www.ir diplomacy.ir/fa/news/1913362> دسترسی در تاریخ ۲۱ تیر ۱۴۰۱
- دانش‌نیا، فرهاد (۱۳۹۲)، «قبض و بسط مفهوم قدرت در سامان فکری جوزف نای»، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، سال چهارم، شماره ۳، صص ۸۷-۶۷
- دوستی، مرتضی و رضا حسن پور قادی (۱۴۰۰)، «جایگاه دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷)، فصلنامه مدیریت ورزشی، دوره ۱۳، شماره ۲
- دیپلماسی ایران (۱۴ اسفند ۱۳۹۱)، «دیپلماسی کشتی قوی تر از دیپلماسی هسته‌ای» قابل دسترس در نشانی:

- سبزی، زهره، مهدی شریعتی فیض آباد و رضا صابونچی (۱۳۹۹)، «طراحی مدل مفاهیم اثرگذار دیپلماسی ورزش بر توسعه روابط ایران و ایالات متحده»، *نشریه مدیریت ورزشی*، دوره ۱۲، شماره ۴
- طالب پور، اکبر، معصومه نظری آزاد و مجید کاشانی (۱۳۹۸)، «تحلیل جامعه شناختی از نابرابری جنسیتی در ورزش (از منظر زنان ورزشکار قهرمان ملی)»، *مجله زن و جامعه*، دوره ۱۰، شماره ۴۰، صص ۲۸۹-۳۱۶
- گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۸۷)، *جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم*، تهران: نشر دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول
- نای، جوزف (۱۳۸۷)، *قدرت نرم*، سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام
- نگین راز، پروین، محمداکظم سجادپور و گارینه کشیشیان سیرکی (۱۳۹۹)، نقش دیپلماسی مسیر دوم در حل منازعه ترکیه-ارمنستان: مطالعه موردی کمیسیون همبستگی ترک-ارمنی، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۱۱۱
- هادیان، ناصر و امیرهوشنگ کریمی (۱۴۰۰)، «قدرت نرم ورزش در خدمت اهداف ژئوپلیتیکی سیاست خارجی»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال هفدهم شماره ۲، صص ۲۰۲-۱۸۲

- Anastasovski, I. S. T. & Qazimi, A. (2013). "Sport as a substitute for diplomatic activities".
- Chehabi, H.E. (2007), Sport diplomacy between the United States and Iran, in *Diplomacy & Statecraft*, 12:1, 89-106, DOI: 10.1080/09592290108406190.
- Cooper, K.J. (1998). Wrestlers May Warm Up U.S.-Iran Ties, *The Washington Post*, 20 Feb. 1998.
- Entessar, N. (2017) The Limits of Sports Diplomacy In US-Iran Relations, *Lobe Log*. At: <https://lobelog.com/the-limits-of-sports-diplomacy-in-us-iran-relations/>.
- Kacos, S. A. (2011). *Reconstructing Respect: The Quest for Prestige in International System*, California: University of Southern California.
- Marks, J. (1998). *Wrestling Diplomacy*, Middle East Insight.
- Mottaghi, A., Taghi Raeissadat, M., Sajjad, N., & Rabiei, H. (2022). The Geopolitics of Sport and Diplomacy of Neighborhood Relations in the 2022 World Cup in Qatar (Case study: Iran and the Persian Gulf Arab States), *Geopolitics Quarterly*, Volume: 17, No 4, PP 334-352.
- Murray, S. (2012). Sports-Diplomacy: A Hybrid of Two Halves, at: <http://www.culturaldiplomacy.org/>
- Peppard, V. & Riordan, J. (1993). "Soviet Sport Diplomacy to 1992" Greenwich: JAI Press
- Wainwright, D. (2021). Athletics, Exhibitions and Exchanges: American Sport Diplomacy in Iran, 1955-1959, *The International Journal of the History of Sport*, VOL. 38, NO. 8, 811-828.
- Zargar, A. (2015). "Sport and International Relations: Conceptual and Theoretical Aspects", *Political Science Quarterly*, Year 11, No: 31, summer, pp: 7- 48. [In Persian]